

درس‌هایی برای سند چشم‌انداز:

تحلیل روند برخی از متغیرهای کلان اقتصادی ایران در دوره
اخیر در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه

دکتر مهدی صادقی شاهدانی^۱ / حسین میسمی^۲

احسان آفاجانی معمار^۳ / مهدی قائمی‌اصل^۴

(تاریخ دریافت ۸۹/۳/۹ - تاریخ تصویب ۸۹/۶/۷)

چکیده

این تحقیق به بررسی وضعیت متغیرهای اقتصادی منتخب در بین برخی از کشورهای اسلامی که می‌توانند در افق ۱۴۰۴ شمسی به عنوان رقیب ایران مطرح باشند، می‌پردازد. این گروه از کشورها عبارت‌اند از: ترکیه، عربستان، مصر، سوریه، قزاقستان و پاکستان. به لحاظ زمانی تحلیلی که انجام می‌شود شامل دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی می‌گردد و همچنین پیش‌بینی خود را در رابطه با متغیرهای مورد نظر در افق ۱۴۰۴ ش. (۲۰۲۵ م.) نیز ارائه می‌دهد. سؤال اصلی آن است که آیا کشور ایران با وضع اقتصادی فعلی، می‌تواند در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، آن طور که در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است، به جایگاه اول اقتصادی در بین تمامی کشورهای منطقه خاورمیانه و در تمامی متغیرها دست یابد؟

۱- دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)، sadeghi@isu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع) و کارشناس گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا. meisami@isu.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)، aghajanie@isu.ac.ir

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع).

به منظور پاسخ به این سؤال، سه متغیر کلان اقتصادی در دوره‌ای نه ساله مورد بررسی قرار می‌گیرد. این متغیرها عبارت‌اند از تولید ناخالص داخلی سرانه، تورم و حجم صادرات. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در هر سه حوزه کشور ایران در مقایسه با رقبایش در وضعیت مطلوبی قرار نداشته و اگر بخواهد در آینده و در افق چشم‌انداز نیز به همین منوال ادامه دهد، امکان دستیابی به اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز وجود ندارد. با توجه به عملکرد نه ساله ایران و کشورهای رقیب می‌توان ادعا کرد که در افق ۱۴۰۴ احتمال آنکه کشورهایمانند عربستان و ترکیه به عنوان قدرت‌های اقتصادی اول منطقه مطرح شوند، بیشتر از ایران است.

واژگان کلیدی: کشورهای اسلامی، شاخص‌های اقتصادی، کشورهای در حال توسعه، کشورهای توسعه‌یافته، ایران.

مقدمه

در این تحقیق به بررسی وضعیت برخی متغیرهای اقتصادی منتخب در بین برخی از کشورهای اسلامی می‌پردازیم که می‌توانند در افق ۱۴۰۴ به عنوان رقیب ایران مطرح باشند^۱. این گروه از کشورها که در ادامه این مقاله از آن‌ها با عنوان «کشورهای رقیب» یاد می‌کنیم، عبارت‌اند از: ترکیه، عربستان، مصر، سوریه، قزاقستان و پاکستان. لازم به ذکر است که به لحاظ زمانی تحلیل ما سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی را مورد بررسی قرار داده و همچنین پیش‌بینی خود را در رابطه با متغیرهای مورد نظر در افق ۱۴۰۴ ش. (۲۰۲۵ م.) ارائه می‌دهد. در انجام پیش‌بینی این طور فرض می‌کند که اگر متغیرهای اقتصادی ایران و کشورهای رقیبش در بازه ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۵ میلادی با نرخ معادل با میانگین دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی رشد کنند و یا در همین نرخ ثابت بماند، در سال ۲۰۲۵ وضعیت چگونه خواهد بود و آیا ایران در این سال به جایگاه اول در بین تمامی کشورهای خاورمیانه و در تمامی متغیرها دست می‌یابد؟ پیش از آنکه وارد بررسی متغیرهای مطلوب شویم، باید به یک نکته توجه شود و آن اینکه در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی، اقتصاد جهانی با سرعت مناسبی در حال رشد بوده و می‌توان این دوره را دوره رونق اقتصادی جهان در نظر گرفت؛ رونقی که از اوایل سال ۲۰۰۰ م. شروع شد و با بحران مالی سال ۲۰۰۸ م. در بخش

۱ - لازم به ذکر است که طبق سند چشم‌انداز بیست ساله، لازم است جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ شمسی (۲۰۲۵ میلادی) به قدرت اول منطقه در ابعاد مختلف از جمله بعد اقتصادی تبدیل شود.

مسکن اقتصاد آمریکا فروکش کرد.

ساختار این مقاله بدین صورت است که ابتدا نگاهی کلی داریم به وضعیت اقتصادی گروه کشورهای اسلامی^۱ در مقایسه با گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته^۲. پس از آنکه این چشم انداز کلی ترسیم شد، به طور خاص وارد بررسی تطبیقی برخی روندهای اقتصادی کوتاه مدت مرتبط با اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای اسلامی رقیب می‌شویم. پس از بررسی متغیرهای اقتصادی و انجام تحلیل‌های لازم در نهایت نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۱- چشم انداز کلی وضعیت گروه کشورهای اسلامی

به لحاظ جغرافیایی ۵۷ کشور اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی در سرتاسر جهان پراکنده هستند. این پراکندگی به نحوی است که در حال حاضر نمی‌توان قاره‌ای را یافت که در آن کشوری اسلامی وجود نداشته باشد و این یک حقیقت است که کشورهای اسلامی در جنوب، شمال، شرق و غرب کره زمین وجود دارند. در جنوب می‌توان به کشور آلبانی در قاره اروپا اشاره کرد؛ در شمال به کشور موزامبیک در آفریقا و در شرق و غرب نیز می‌توان به ترتیب به کشور اندونزی در قاره آسیا و گیانا^۳ در آمریکای لاتین اشاره کرد. به همین دلیل است که کشورهای اسلامی در کل و به عنوان یک گروه یک ششم مساحت و یک پنجم جمعیت کره زمین را در اختیار دارند. این دسته از کشورها بخش قابل توجهی از گروه کشورهای در حال توسعه به حساب آمده^۴ و به دلیل این گستردگی، زمانی که آن‌ها را در یک گروه قرار می‌دهیم، اختلافات در بین اعضای آن بعضاً شدید است؛ که این بدان معنی است که گروه کشورهای

۱- لازم به ذکر است که در این تحقیق منظور از کشورهای اسلامی، کشورهای اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) است؛ که در حال حاضر شامل ۵۷ کشور اسلامی می‌گردد.

۲- توجه شود که در این تحقیق به منظور تقسیم کشورها به دو گروه توسعه یافته و در حال توسعه، از تعاریف و شاخص‌های بانک جهانی استفاده شده است. این سازمان تمامی کشورهای با درآمد پایین (low) و متوسط (middle) را به عنوان کشورهای در حال توسعه در نظر می‌گیرد. مهم‌ترین شاخصی که توسط این سازمان برای گروه‌بندی کشورها استفاده می‌شود، تولید ناخالص سرانه است. مثلاً در سال ۲۰۰۸، تمامی کشورهایی که درآمد سرانه‌ای کمتر از ۱۱,۹۰۵ دلار داشتند، به عنوان کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده‌اند (بانک جهانی، ۲۰۰۸). همچنین لازم به ذکر است که در این تحقیق منظور از گروه کشورهای در حال توسعه، کشورهای در حال توسعه غیر اسلامی می‌باشد.

۳ - Guyana

۴- مثلاً در سال ۲۰۰۷، کشورهای اسلامی ۲۵٫۸ درصد جمعیت گروه کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دادند (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۸: ب، ۴۳).

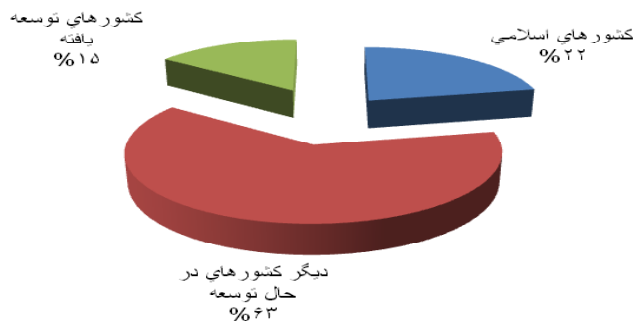
اسلامی، گروه همگنی نیست. بر کسی پوشیده نیست که کشورهای اسلامی به عنوان یک گروه به لحاظ منابع طبیعی مختلف کاملاً غنی بوده و هیچ‌گونه کمبود قابل توجهی ندارند. منابعی مانند نفت، گاز، زمین‌های حاصلخیز، نیروی کار و منابع انسانی، معدن، و تسلط به مناطق راهبردی جهان مانند منطقه خلیج فارس. اما متأسفانه میراث گران‌بهای طبیعت که در اختیار این دسته از کشورها قرار دارد، نتوانسته است به صورت توسعه اقتصادی و انسانی در بسیاری از کشورهای اسلامی و در گروه کشورهای اسلامی ظهور و بروز یابد. زمانی به این نکته به طور دقیق پی می‌بریم که عملکرد کشورهای اسلامی را با کشورهای توسعه‌یافته و حتی دیگر کشورهای در حال توسعه مقایسه کنیم. همان طور که در بخش‌های بعد خواهیم دید، کشورهای اسلامی حتی در مقایسه با کشورهای در حال توسعه نیز دارای عملکردی ضعیف هستند و می‌توان ادعا کرد که در برخی از حوزه‌ها، عملکرد دیگر کشورهای در حال توسعه از کشورهای اسلامی بهتر بوده است. همان طور که جدول شماره یک نشان می‌دهد، گرچه کشورهای اسلامی تقریباً ۲۲ درصد کل جمعیت جهان را در اختیار دارند، اما تنها ۶٫۸ درصد از تولید کل و ۹٫۸ درصد از صادرات کل دنیا را به خود اختصاص می‌دهند. همچنین اگر چه میانگین نرخ رشد تولید (در دوره ۵ ساله قبل از بحران) در این دسته از کشورها هم از میانگین کشورهای در حال توسعه و هم از میانگین کل دنیا بالاتر بوده است، اما به هر حال این عدد کمتر از میانگین گروه کشورهای در حال توسعه است.

**جدول شماره یک: سهم کشورهای اسلامی از جمعیت، تولید و صادرات کل دنیا
میانگین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ (درصد)**

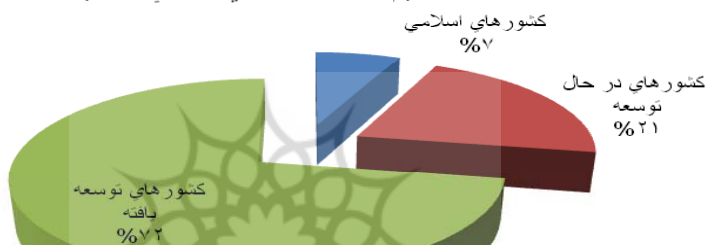
صادرات	تولید	جمعیت	
۹٫۸	۶٫۸	۲۱٫۹	کشورهای اسلامی
۳۵٫۲	۲۱	۶۳	دیگر کشورهای در حال توسعه
۵۵	۷۲٫۲	۱۵٫۱	کشورهای توسعه یافته
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

منبع: (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۸ ب)

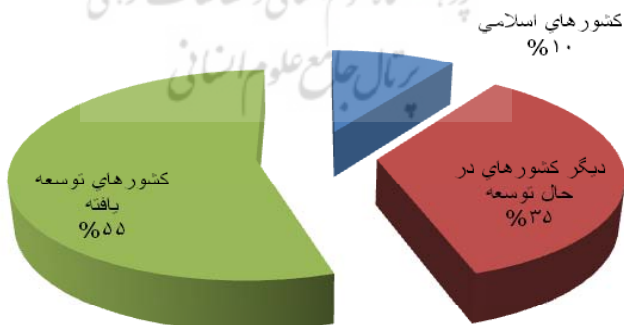
شکل شماره ۱: سهم جمعیت کشورهای اسلامی در جهان



شکل شماره ۲: سهم تولید کشورهای اسلامی در جهان



شکل شماره ۳: سهم صادرات کشورهای اسلامی در جهان



همان‌طور که گفتیم گروه کشورهای اسلامی مجموعه‌ای ناهمگن است و بعضاً اختلاف فاحشی در بین اعضایش مشاهده می‌شود. مثلاً از بین ۵۰ کشوری که به لحاظ جهانی کمترین توسعه‌یافتگی^۱ را دارند، ۲۲ کشور عضو گروه کشورهای اسلامی هستند؛ کشورهایی که ویژگی اصلی اقتصادشان وابستگی شدید به صادرات تعداد محدودی از کالاهای غیر نفتی (معمولاً کالاهای کشاورزی) است. اما در مقابل، ۱۷ کشور اسلامی به عنوان کشورهای صادرکننده سوخت در نظر گرفته می‌شوند. این کشورها معمولاً از فروش منابع سوختی که در اختیار دارند، درآمدهای قابل توجه بدست می‌آورند؛ اما به هر حال این دسته از کشورها نیز توسعه و رشد خود را به میزان قابل توجهی به فروش منابع سوختی و منابع حاصل از آن وابسته کرده‌اند و لذا تغییرات قیمت سوخت در سطح بین‌الملل، در اقتصادشان تأثیرات شدیدی می‌گذارد.

در چنین شرایطی وجود شکاف شدید بین کشورهای فقیر و ثروتمند اسلامی طبیعی به نظر می‌رسد. مروری بر گروه‌بندی انجام شده توسط بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ میلادی نشان می‌دهد که ۲۶ کشور اسلامی در گروه کشورهای با درآمد پایین^۲ قرار دارند، ۲۵ کشور در گروه کشورهای با درآمد متوسط^۳ قرار دارند و فقط ۶ کشور اسلامی در گروه کشورهای با درآمد بالا^۴ قرار دارند.

اگر حجم دیون بین‌المللی که این دسته از کشورها بدهکار هستند را نیز در نظر بگیریم، تصویر بهتر و واقعی‌تری از وضع اقتصادی این دسته از کشورها بدست می‌آوریم. مرور آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد که در پایان سال ۲۰۰۶م. حجم کل دیون این دسته از کشورها برابر با ۷۵۲٫۶ میلیارد دلار بوده است. همچنین طبق آخرین گروه‌بندی‌های انجام شده توسط بانک جهانی در رابطه با «سطح بدهکاری»^۵ کشورها، در سال ۲۰۰۸، ۲۲ کشور اسلامی در گروه «کشورهای فقیر به شدت بدهکار»^۷ قرار گرفته‌اند.

۱ - Least-Developed Countries

۲ - Low-Income Countries

۳ - Middle-Income Countries

۴ - High-Income Countries

۵- این کشورها عبارتند از: بحرین، برونئی، کویت، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی.

۶ - Level of Indebtedness

۷ - Heavily Indebted Poor Countries (HIPC)

تا این قسمت از مقاله، چشم‌اندازی کلی از وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی به عنوان یک گروه ارائه شد. اما در آنچه در پی می‌آید، قدمی فراتر رفته و به هدف اصلی این تحقیق می‌پردازیم. در واقع به بررسی جزئی و تطبیقی وضعیت متغیرهای اقتصادی اصلی ایران و کشورهای اسلامی رقیب در دوره ۹ ساله رونق (از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ م.) پرداخته و برای افق ۱۴۰۴ ش. (۲۰۲۵ م.) نیز پیش‌بینی ارائه می‌دهیم. همان‌طور که گفتیم در انجام پیش‌بینی این فرض ضمنی را داریم که اقتصاد کشورها در آینده (۲۰۰۸ تا ۲۰۲۵) با نرخ معادل با میانگین نه سال مورد بررسی (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸) تغییر کند.

۲- تولید سرانه داخلی

گرچه کشورهای اسلامی در سال ۲۰۰۷، تعداد ۱,۴۲ میلیارد نفر از جمعیت جهان (معادل ۲۱,۹ درصد) را در خود جای می‌دانند، اما تولید ناخالص این دسته از کشورها در کل تنها برابر با ۳۶۹۲,۶ میلیارد دلار بود؛ که این معادل است با ۶,۸ درصد از کل تولید دنیا در این سال. همچنین همان‌طور که اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، میانگین تولید سرانه در کشورهای اسلامی در سال ۲۰۰۷ (به عنوان مثال) به بالاترین مقدار خود در طول دوره قبل از بحران مالی رسید که این مقدار برابر است با ۲۵۹۳ دلار. با دقت در آمار می‌توان به این نکته پی برد که این عدد نه تنها از میانگین کشورهای توسعه یافته به میزان قابل توجهی کمتر است (تقریباً یک پانزدهم آن است)، بلکه از میانگین جهانی و حتی از میانگین کشورهای در حال توسعه نیز کمتر است. اگر به وضعیت تولید سرانه داخلی کشور ایران در مقایسه با دیگر کشورهای نیز توجه کنیم، به این نکته پی می‌بریم که در تمامی سال‌های مورد بررسی، تولید سرانه ایران از میانگین کشورهای اسلامی و همچنین کشورهای در حال توسعه بالاتر بوده است. اما به هر حال، این عدد همواره از میانگین تولید سرانه کشورهای توسعه یافته پایین‌تر است. با دقت در آمار می‌توان ادعا کرد که تولید سرانه ایران در دوره مورد بررسی تقریباً همواره یک سیزدهم میانگین کشورهای توسعه یافته بوده است؛ به عبارت دیگر تولید سرانه در کشورهای توسعه یافته تقریباً همواره سیزده برابر تولید سرانه ایران بوده است. از طرف دیگر بررسی آمار ارائه شده در رابطه با کشورهای اسلامی رقیب نیز نشان می‌دهد که گرچه ایران در مقایسه با این شش کشور، رشد تولید سرانه بیشتری را به طور متوسط شاهد بوده است، اما حجم تولید سرانه در سه کشور عربستان، قزاقستان و ترکیه، تقریباً همواره بیش از ایران بوده است. بنابراین اگر فرض کنیم که این کشورها در ۱۷ سال آینده (یعنی از ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۵) با نرخ برابر با نرخ متوسط دوره ۹ ساله

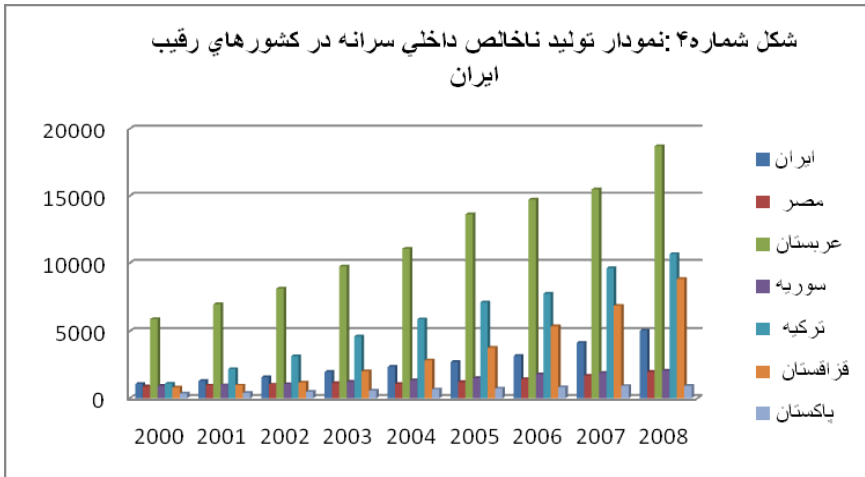
مورد بررسی (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹) رشد کنند، در سال ۲۰۲۵ میلادی (۱۴۰۴ ش.)، کشور عربستان با تولید سرانه‌ای به میزان ۳۵۸۹۹۹ دلار در سال، به عنوان کشور اول منطقه خاورمیانه مطرح خواهد بود و پس از آن نیز کشورهای قزاقستان و ترکیه به ترتیب به ۲۹۸۲۵۸ و ۱۷۹۱۲۶ در رتبه‌های دوم و سوم قرار خواهند گرفت و لذا ایران در این سال به عنوان رتبه اول در موضوع تولید سرانه مطرح نخواهد بود؛ بلکه در بهترین حالت، رتبه چهارم را به خود اختصاص می‌دهد.^۱ در ادامه برای روشن‌تر شدن موضوع کافی است که به نمودارهای استخراج شده از جدول شماره (۲) نگاه نماییم.

جدول شماره دو: تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار)

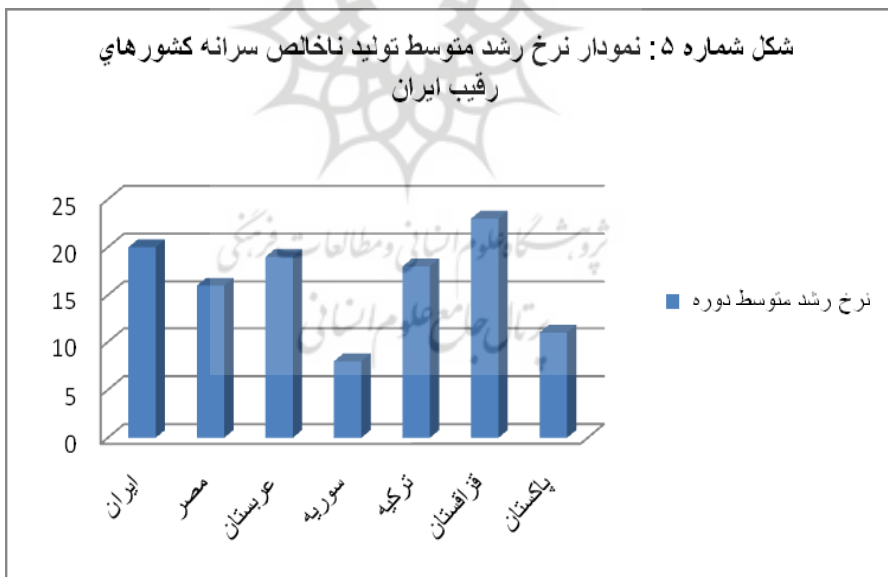
چشم‌انداز ۱۴۰۴ (۲۰۲۵)	نرخ رشد متوسط دوره	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	
۱۱۱۸۶۲	۲۰	۵۰۴۲	۴۱۴۹	۳۱۹۷	۲۷۴۶	۲۳۹۰	۲۰۱۵	۱۶۲۶	۱۳۴۸	۱۱۲۹	ایران
۲۵۱۳۴	۱۶	۲۰۱۶	۱۷۳۹	۱۴۸۹	۱۲۷۰	۱۱۳۷	۱۱۹۷	۱۰۷۰	۹۸۹	۸۷۷	مصر
۳۵۸۹۹۹	۱۹	۱۸۶۵۵	۱۵۴۸۱	۱۴۷۳۳	۱۳۶۵۸	۱۱۱۲۷	۹۷۵۸	۸۱۲۵	۶۹۸۰	۵۸۸۷	عربستان
۷۸۰۳	۸	۲۱۰۹	۱۹۴۶	۱۸۴۴	۱۵۶۰	۱۳۹۲	۱۲۹۳	۱۱۱۵	۱۰۳۱	۹۱۲	سوریه
۱۷۹۱۲۶	۱۸	۱۰۷۳۸	۹۶۲۹	۷۷۶۰	۷۱۱۰	۵۸۷۲	۴۶۱۶	۳۱۵۶	۲۲۱۵	۱۱۵۶	ترکیه
۲۹۸۲۵۸	۲۳	۸۸۳۵	۶۸۶۸	۵۳۶۳	۳۷۸۶	۲۸۶۳	۲۰۶۴	۱۲۳۲	۹۷۶	۷۹۲	قزاقستان
۵۳۹۴	۱۱	۹۱۵	۹۰۹	۸۱۷	۷۱۹	۶۵۵	۵۶۹	۴۷۹	۴۰۲	۳۵۹	پاکستان
۷۳۸۶	۶	۲۷۴۳	۲۵۹۳	۲۲۲۷	۱۹۴۲	۱۶۶۲	۱۴۳۳	۱۲۸۰	۱۰۲۱	۹۳۱	گروه کشورهای اسلامی
۱۳۴۰۲۸	۷	۴۲۴۳۰	۳۹۷۷۲	۳۶۷۲۳	۳۵۱۸۹	۳۳۷۴۹	۳۰۶۱۴	۲۷۸۹۰	۲۵۶۲۹	۲۳۱۴۹	گروه کشورهای توسعه یافته
۴۶۸۲۸	۱۷	۳۲۴۶	۲۷۵۲	۲۳۰۳	۱۹۹۱	۱۶۹۳	۱۴۴۴	۱۲۶۶	۱۰۹۸	۹۱۲	گروه کشورهای در حال توسعه

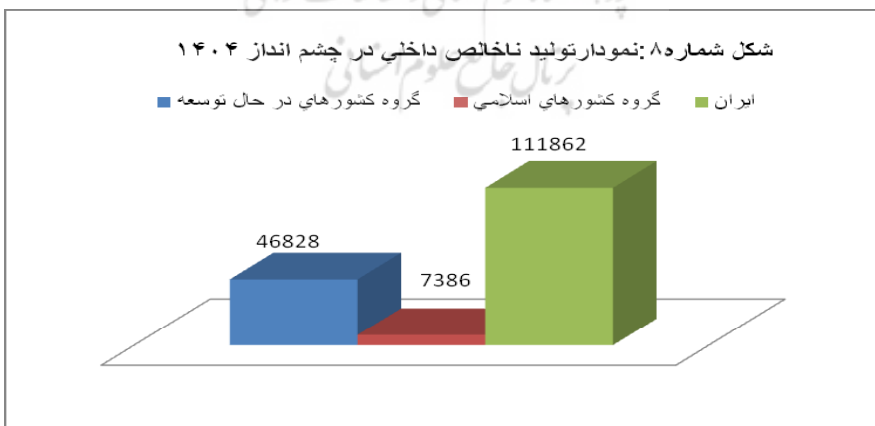
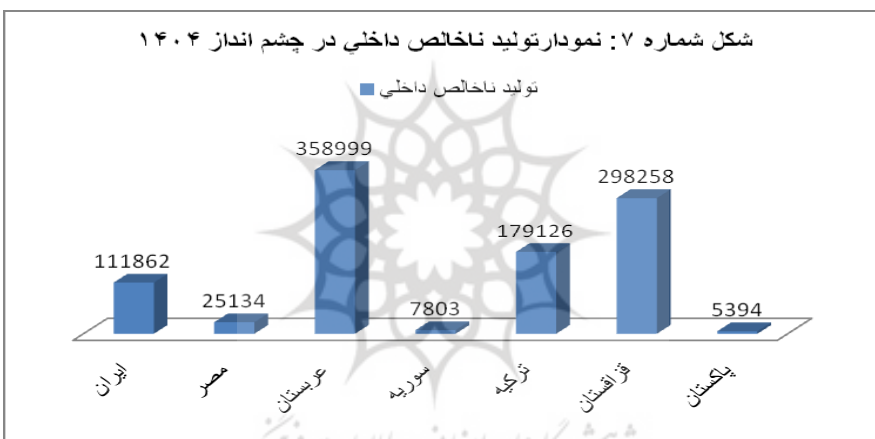
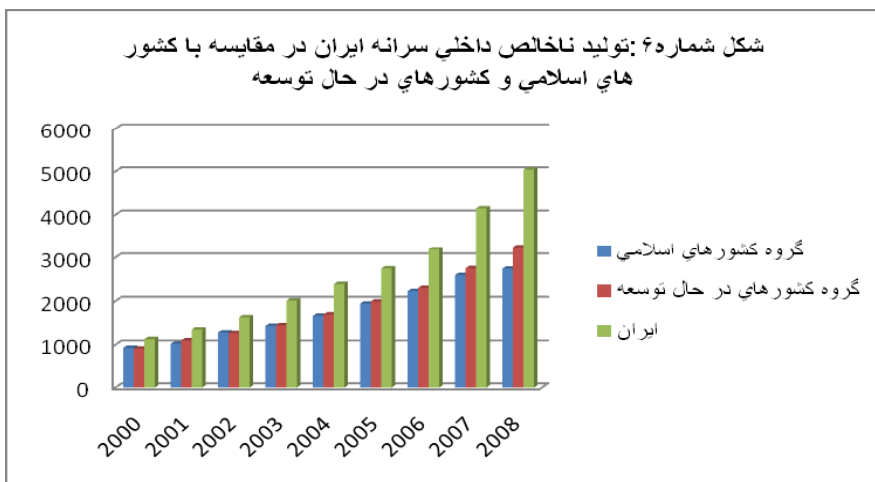
منبع: (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۸، ب)

۱- لازم به ذکر است که اعداد مرتبط با پیش‌بینی افق ۱۴۰۴ بدین صورت بدست آمده‌اند که به لحاظ ریاضی اگر فرض کنیم متغیر X_t در زمان صفر وجود داشته باشد و این متغیر هر سال با نرخ رشدی ثابت و برابر با n رشد کند، آنگاه میزان متغیر X_t بعد از t سال برابر خواهد بود: $X_t = X_0(1+n)^t$



باتوجه به نمودار متوجه می‌شویم که عربستان در طول سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی بالاترین تولید ناخالص داخلی را داشته است. بعد از آن کشور ترکیه قرار داشته و در رتبه سوم، قزاقستان و ایران در چهارمین رتبه می‌باشد.





۳- تورم

در تئوری‌های اقتصاد کلان، یکی از عوامل و نمادهای ثبات اقتصادی، پایین بودن نرخ تورم است. از این رو اغلب دولت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به بحث تورم توجه خاصی دارند و با استفاده از سیاست‌های پولی و مالی مختلف، سعی در کنترل آن و ثبات قیمت‌ها دارند. در نتیجه چنین تلاش‌هایی در دهه‌های اخیر شاهد این حقیقت بوده‌ایم که میانگین نرخ تورم در کشورهای توسعه‌یافته و همچنین در حال توسعه به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. مثلاً گرچه تورم در گروه کشورهای در حال توسعه در دهه نود حدود ۵۰ درصد بود، اما در سال ۲۰۰۷م. این رقم به عدد ۶٫۳ درصد رسید (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۸: ۲۵۶-۲۴۹). این خود به آن معنا است که اکثر کشورهای جهان در زمینه کنترل سطح قیمت‌ها، موفق بوده‌اند.

اگر بخواهیم وضعیت تورم در کشورهای اسلامی را در مقایسه با دیگر کشورها مورد تحلیل قرار دهیم، باید اذعان کنیم که در دوره قبل از بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۷م. تورم در کشورهای اسلامی در مقایسه با دیگر گروه‌ها بالاتر بوده است. در واقع همان‌طور که اطلاعات جدول شماره هفت نشان می‌دهد، در طول دوره قبل از بحران، تورم کشورهای اسلامی همواره از میانگین تورم جهانی و میانگین کشورهای توسعه‌یافته بالاتر بوده است. اما وضعیت تورم کشورهای اسلامی تقریباً مشابه وضعیت مذکور در کشورهای در حال توسعه بوده است؛ گرچه در تمامی سال‌ها به جز سال ۲۰۰۴م. که دو گروه به عددی مساوی (۵٫۹ درصد) دست یافته‌اند، میانگین کشورهای اسلامی، بالاتر از میانگین کشورهای در حال توسعه بوده است. توجه داریم که عدد ۵٫۹ درصد، پایین‌ترین نرخ تورم در کشورهای اسلامی در دوره مورد بررسی است و یک رکورد به حساب می‌آید. بررسی دقیق‌تر آمار ارائه شده در جدول همچنین نشان می‌دهد که گرچه در سال ۲۰۰۴م. تورم در سطح مناسب ۵٫۹ بود، اما در سال بعد یعنی سال ۲۰۰۵ به عدد ۶٫۸ و پس از آن نیز در سال ۲۰۰۶ به عدد ۷٫۵ درصد رسید. گرچه این عدد در سال ۲۰۰۷ میلادی تقریباً در همان سطح باقی ماند. البته توجه داریم که اگر به آمارهای مرتبط با تورم در کشورهای اسلامی در دوره‌های قبل مراجعه کنیم، به این مطلب پی می‌بریم که کشورهای اسلامی در مبارزه با تورم موفق بوده‌اند؛ علت این ادعای زمانی بهتر مشخص می‌شود که به این نکته توجه کنیم که تورم در دهه نود در کشورهای اسلامی رو به افزایش بوده و به عنوان نمونه در سال ۱۹۹۴ به عدد ۸۴٫۵ درصد رسیده است.

نتیجه‌ای که می‌توان از مباحث ارائه شده بدست آورد آن است که گرچه عملکرد کشورهای

اسلامی در کنترل تورم، در مقایسه با دیگر گروه‌ها ضعیف بوده است، اما اگر وضعیت تورم کشورهای اسلامی در دوره اخیر را با آمارهای دوره‌های پیش از آن مقایسه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که کشورهای اسلامی به نوبه خود در کاهش تورم موفق بوده‌اند. می‌توان علت اصلی موفقیت این دسته از کشورها در کنترل تورم را اصلاحاتی دانست که در سیاست‌های پولی و مالی خود با هدف دستیابی به ثبات قیمتی انجام داده‌اند. نمونه قابل توجه از چنین اصلاحاتی در کشور ترکیه و کشورهای اسلامی واقع در ناحیه آسیای مرکزی انجام شده است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۹: ۲۵۶-۲۱۹).

بررسی آمار مرتبط با تورم در کشور ایران در مقایسه با گروه کشورهای اسلامی، در حال توسعه و توسعه یافته نشان می‌دهد که در این شاخص، وضعیت ایران بسیار ضعیف است. در واقع همان طور که ارقام ارائه شده در جدول نشان می‌دهد، تورم ایران تقریباً همواره دو برابر تورم کشورهای اسلامی، بیش از دو برابر کشورهای در حال توسعه، و بیش از ده برابر کشورهای توسعه یافته بوده است. مثلاً در سال ۲۰۰۷ میلادی، در حالی که تورم کشورهای اسلامی، در حال توسعه و توسعه یافته به ترتیب برابر با ۷٫۴، ۲٫۲ و ۶٫۳ درصد بوده است، تورم ایران برابر با ۱۷٫۵ درصد است. بررسی آمار مرتبط با تورم در ایران در مقایسه با کشورهای اسلامی رقیب نیز نتایج مشابهی ارائه می‌دهد. در واقع همان طور که آمار ارائه شده در جدول شماره سه نشان می‌دهد، تورم ایران تقریباً در تمامی سال‌های مورد بررسی از شش کشور اسلامی رقیب بیشتر بوده است. این اختلاف در بعضی سال‌ها بسیار فاحش و قابل توجه است. مثلاً در سال ۲۰۰۴ تورم ایران حدود ۳۰ برابر تورم در کشور عربستان بوده است. بررسی دقیق‌تر آمار جدول نشان می‌دهد که تورم متوسط ایران در دوره نه ساله مورد بررسی در حدود ۱۳٫۶ می‌باشد. این در حالی است که متوسط نرخ تورم در کشورهای رقیب یعنی مصر، عربستان، سوریه، ترکیه، قزاقستان و پاکستان به ترتیب ۶٫۸، ۱٫۹، ۶٫۷، ۱۲٫۴، ۴٫۸ و ۵٫۷ درصد می‌باشد. با توجه به این تفاسیر اگر این طور فرض کنیم که روند تورم در ایران و کشورهای اسلامی رقیب در ۱۵ سال آینده مشابه دوره نه ساله مورد بررسی باشد، آنگاه باید گفت که در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ شمسی، کشور عربستان در زمینه کنترل تورم رتبه اول را در منطقه خاورمیانه به خود اختصاص خواهد داد. پس از آن نیز پاکستان، سوریه، مصر، قزاقستان و ترکیه قرار خواهند داشت و لذا ایران در این زمینه رتبه آخر را به خود اختصاص خواهد داد.

نتیجه‌ای که از این تحلیل‌ها می‌توان گرفت آن است که مسئولین اقتصادی در ایران در کنترل

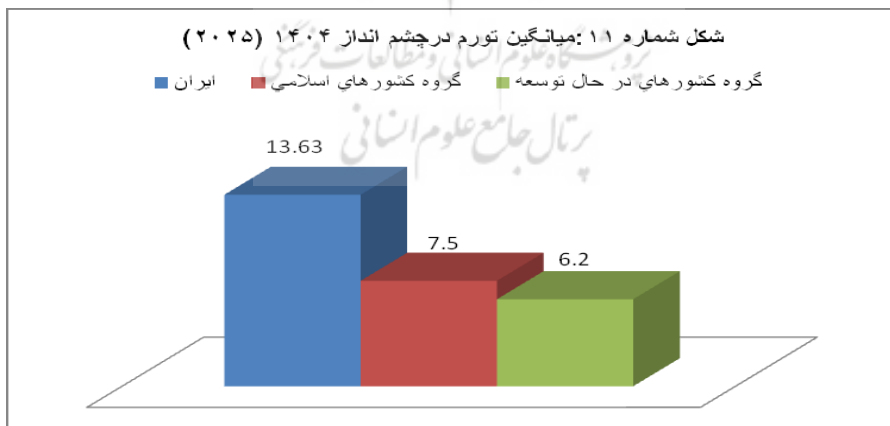
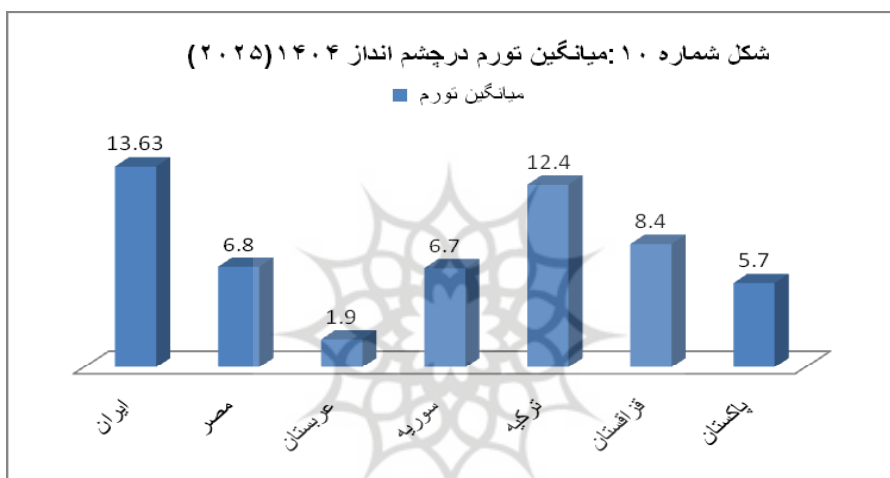
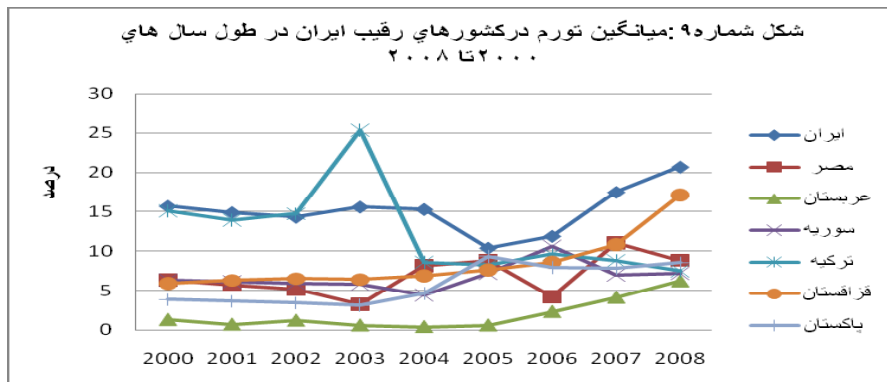
تورم موفق نبوده‌اند؛ که این خود ضرورت استفاده از سیاست‌های پولی و مالی مرتبط را دو چندان می‌سازد. استفاده از تجربه دیگر کشورهای اسلامی در این زمینه مفید به نظر می‌رسد؛ چرا که همان طور که قبلاً عنوان شد، اغلب کشورهای اسلامی در کنترل تورم به طور نسبی موفق بوده‌اند.

جدول شماره سه: میانگین نرخ تورم (درصد)^۱

کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	میانگین تورم دوره	چشم انداز ۱۴۰۴ (۲۰۲۵)
ایران	۱۵،۷	۱۴،۹	۱۴،۳	۱۵،۶	۱۵،۳	۱۰،۴	۱۱،۹	۱۷،۵	۲۰،۷	۱۳،۶۳	۱۳،۶۳
مصر	۶،۳	۵،۷	۵،۱	۳،۳	۸،۱	۸،۸	۴،۲	۱۱	۸،۸	۶،۸	۶،۸
عربستان	۱،۳	-۰،۷	۱،۲	۰،۶	-۰،۴	-۰،۶	۲،۳	۴،۱	۶،۲	۱،۹	۱،۹
سوریه	۶،۳	۶،۱	۵،۹	۵،۸	۴،۴	۷،۲	۱۰،۶	۷	۷،۲	۶،۷	۶،۷
ترکیه	۱۵،۱	۱۳،۹	۱۴،۷	۲۵،۳	۸،۶	۸،۲	۹،۶	۸،۸	۷،۵	۱۲،۴	۱۲،۴
قزاقستان	۵،۹	۶،۳	۶،۵	۶،۴	۶،۹	۷،۶	۸،۶	۱۰،۸	۱۷،۱	۸،۴	۸،۴
پاکستان	۳،۸	۳،۶	۳،۴	۳،۱	۴،۶	۹،۳	۷،۹	۷،۸	۸،۵	۵،۷	۵،۷
گروه کشورهای اسلامی	۷،۷	۶،۹	۸،۶	۸،۴	۵،۹	۶،۸	۷،۵	۷،۴	۸،۴	۷،۵	۷،۵
گروه کشورهای توسعه یافته	۲،۱	۱،۹	۱،۶	۱،۸	۲،۰	۲،۳	۲،۴	۲،۲	۱،۸	۲،۱	۲،۱
گروه کشورهای در حال توسعه	۷،۴	۶،۹	۵،۴	۶،۶	۵،۹	۵،۷	۵،۴	۶،۳	۶،۶	۶،۲	۶،۲

منبع: (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۸ ب)

۱- لازم به ذکر است که به منظور تسهیل محاسبات، تمامی اعداد جدول گرد شده‌اند و لذا به صورت صحیح و نه اعشاری بیان گردیده‌اند.



۴- حجم صادرات

همان طور که ارقام ارائه شده در جدول شماره شش (ضمیمه) نشان می‌دهد، در طی دوره قبل از بحران مالی سال ۲۰۰۷، صادرات کشورهای اسلامی به طور فزاینده‌ای در حال رشد بوده است. به عنوان نمونه صادرات این دسته از کشورها از ۶۱۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۱۳۵۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ میلادی رسیده است؛ گرچه این افزایش قابل توجه است، اما به هر حال این رقم تنها ۸٫۹ درصد از صادرات کل کشورها را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین این عدد ۰٫۲ درصد کمتر از بیشترین سهم صادرات کشورهای اسلامی (از کل صادرات جهان) در دوره مورد بررسی است؛ که این رکورد در سال ۲۰۰۶ میلادی بدست آمده است؛ چرا که در این سال سهم صادرات کشورهای اسلامی از کل صادرات جهان ۱۰ درصد می‌باشد.

دقت در آمار جدول نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی سهم صادرات کشورهای اسلامی از کل صادرات دنیا به آرامی در حال افزایش بوده است؛ که این خود نشان می‌دهد که سهم کشورهای اسلامی از بازار صادرات جهان رو به بهبود بوده است. اما در مقابل، مقایسه وضعیت سهم صادرات کشورهای اسلامی از صادرات گروه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که این سهم دارای وضعیتی تقریباً با ثبات بوده و با تغییرات قابل توجهی مواجه نشده است. در واقع در سال ۲۰۰۳ میلادی صادرات کشورهای اسلامی ۲۱٫۴ درصد از صادرات کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص می‌داد. در سال ۲۰۰۷ میلادی این عدد با تغییر زیادی مواجه نشده و معادل ۲۱٫۸ درصد بوده است که این حاکی از با ثبات بودن وضعیت سهم صادرات کشورهای اسلامی از صادرات کشورهای در حال توسعه است.

بررسی دقیق‌تر ارقام مرتبط با صادرات کشورها در دوره مورد بررسی نشان می‌دهد که گروه کشورهای اسلامی در دوره رونق و به طور دقیق‌تر بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ میلادی، در بین تمامی گروه‌ها دارای بالاترین نرخ رشد صادرات بوده است و در سال ۲۰۰۴ نیز به بالاترین رقم خود در کل دوره، یعنی عدد ۳۱٫۴ درصد دست یافته است.^۱ اما به هر حال باید توجه کرد که در طی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ میلادی، وضعیت رشد صادرات هم در کشورهای اسلامی و هم در کشورهای در حال توسعه، نزولی و یا کاهنده بوده است. البته در این دوره، وضعیت صادرات

۱- به عبارت دیگر صادرات کشورهای اسلامی در سال ۲۰۰۴ نسبت به سال ۲۰۰۳ میلادی، ۳۱٫۴ درصد رشد داشته است.

کشورهای توسعه یافته و همچنین صادرات کل کشورها، متفاوت بوده و گرچه در سال ۲۰۰۵ با کاهش مواجه شد، اما پس از آن وارد دوره افزایشی گردید؛ که این افزایش هم در سال ۲۰۰۶ ادامه یافت و هم در سال ۲۰۰۷ میلادی.

بررسی آمار مرتبط با صادرات ایران در مقایسه با کشورهای اسلامی رقیب نشان می‌دهد که در اکثر سال‌ها حجم صادرات ایران از چهار کشور سوریه، مصر، قزاقستان و پاکستان بیشتر بوده و از دو کشور عربستان و ترکیه کمتر است. بررسی دقیق‌تر آمار جدول نشان می‌دهد که متوسط حجم صادرات ایران در دوره نه ساله مورد بررسی در حدود ۴۲ میلیارد دلار می‌باشد. این در حالی است که متوسط حجم صادرات در کشورهای رقیب یعنی مصر، عربستان، سوریه، ترکیه، قزاقستان و پاکستان به ترتیب ۱۴، ۱۲۶، ۹، ۶۳، ۲۱ و ۱۳ میلیارد دلار می‌باشد. با توجه به این ارقام، اگر این طور فرض کنیم که روند صادرات در ایران و کشورهای اسلامی رقیب در ۱۵ سال آینده مشابه دوره نه ساله مورد بررسی باشد،^۱ آنگاه باید گفت که در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ ش. (۲۰۲۵م)، کشور عربستان در زمینه حجم صادرات رتبه اول را در منطقه خاورمیانه به خود اختصاص خواهد داد. پس از آن نیز ترکیه رتبه دوم را در اختیار داشته و ایران در رتبه سوم قرار می‌گیرد. شکل شماره ۱۵ به وضوح این تحلیل را نشان می‌دهد. قزاقستان، مصر، پاکستان و سوریه نیز به ترتیب جایگاه چهارم، پنجم، ششم و هفتم را در منطقه به خود اختصاص می‌دهند. برای افزایش قدرت تحلیل مقاله، به بررسی نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی کشورهای رقیب ایران، کشورهای اسلامی، کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته پرداخته‌ایم که اطلاعات آن در جدول شماره چهار قرار دارد.

۱- فرض می‌نمایم که هیچ تغییر ساختاری در این روند اتفاق نیفتد که این فرض بسیار ساده‌کننده است، اما برای تحلیل ما لازم است.

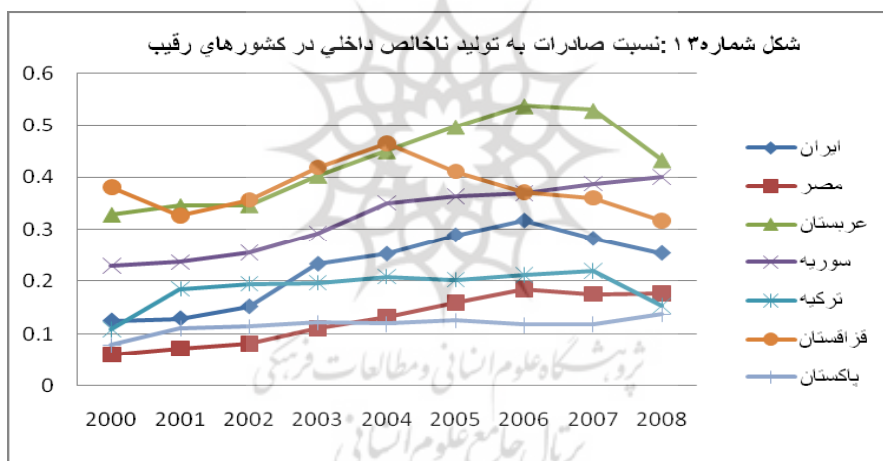
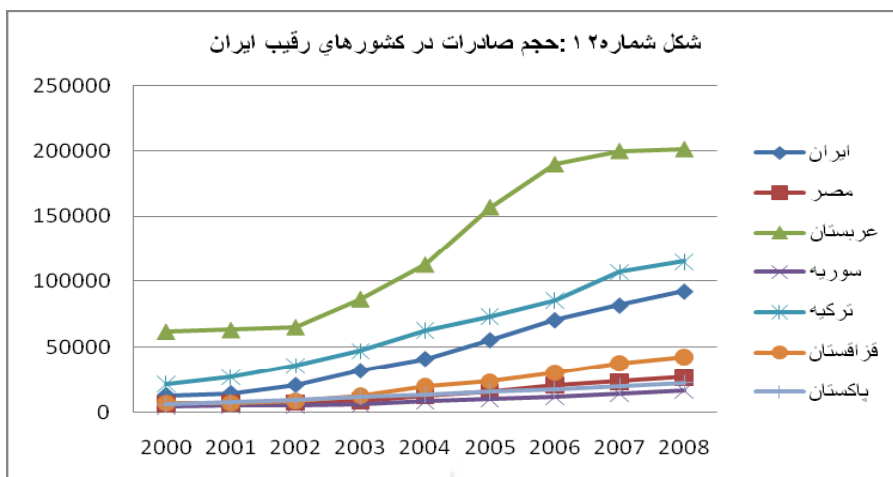
جدول شماره چهار: نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی

چشم انداز ۱۴۰۴ (۲۰۲۵)	میانگین نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	
-۰,۲۲۶	-۰,۲۲۶	-۰,۲۵۳	-۰,۲۸۲	-۰,۳۱۷	-۰,۲۸۹	-۰,۲۵۲	-۰,۲۳۳	-۰,۱۵۲	-۰,۱۲۹	-۰,۱۲۵	ایران
-۰,۱۲۸	-۰,۱۲۸	-۰,۱۷۷	-۰,۱۷۵	-۰,۱۸۴	-۰,۱۵۹	-۰,۱۳۲	-۱۱۰	-۰,۸۱۰	-۰,۱۷۵	-۰,۱۷۷	مصر
-۰,۴۳۰	-۰,۴۳۰	-۰,۴۳۳	-۰,۵۲۹	-۰,۵۳۸	-۰,۴۹۷	-۰,۴۵۰	-۰,۴۰۳	۳۴۷۰	-۰,۵۲۹	-۰,۴۳۳	عربستان
-۰,۳۲۱	-۰,۳۲۱	-۰,۴۰۰	-۰,۳۸۷	-۰,۳۶۹	-۰,۳۶۴	-۰,۳۵۱	-۰,۲۹۲	-۰,۲۵۶	-۰,۳۸۷	-۰,۴۰۰	سوریه
-۰,۱۸۷	-۰,۱۸۷	-۰,۱۵۴	-۰,۲۲۰	-۰,۲۱۲	-۰,۲۰۳	-۰,۲۰۹	-۰,۱۹۷	-۰,۱۹۵	-۰,۲۲۰	-۰,۱۵۴	ترکیه
-۰,۳۷۹	-۰,۳۷۹	-۰,۳۱۷	-۰,۳۶۱	-۰,۳۷۱	-۰,۴۱۲	-۰,۴۶۶	-۰,۴۱۹	-۰,۳۵۷	-۰,۳۶۱	-۰,۳۱۷	قزاقستان
-۰,۱۱۶	-۰,۱۱۶	-۰,۱۳۷	-۰,۱۱۹	-۰,۱۱۸	-۰,۱۲۶	-۰,۱۱۹	-۰,۱۲۲	-۰,۱۱۴	-۰,۱۱۹	-۰,۱۱۷	پاکستان
-۰,۳۶۲	-۰,۳۶۲	-۰,۴۰۹	-۰,۳۷۶	-۰,۳۹۰	-۰,۳۸۰	-۰,۳۶۷	-۰,۳۳۲	-۰,۳۱۳	-۰,۳۷۶	-۰,۴۰۹	گروه کشورهای اسلامی
-۰,۱۷۲	-۰,۱۷۲	-۰,۲۳۵	-۰,۲۲۸	-۰,۲۳۳	-۰,۲۰۵	-۰,۱۹۷	-۰,۱۸۵	-۰,۱۵۵	-۰,۲۲۸	-۰,۲۳۵	گروه کشورهای توسعه یافته
-۰,۳۶۷	-۰,۳۶۷	-۰,۳۳۹	-۰,۴۳۹	-۰,۴۵۲	-۰,۴۴۴	-۰,۴۳۶	-۰,۴۰۶	-۰,۳۸۲	-۰,۳۶۳	-۰,۳۳۹	گروه کشورهای در حال توسعه

منبع: (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۸ ب)

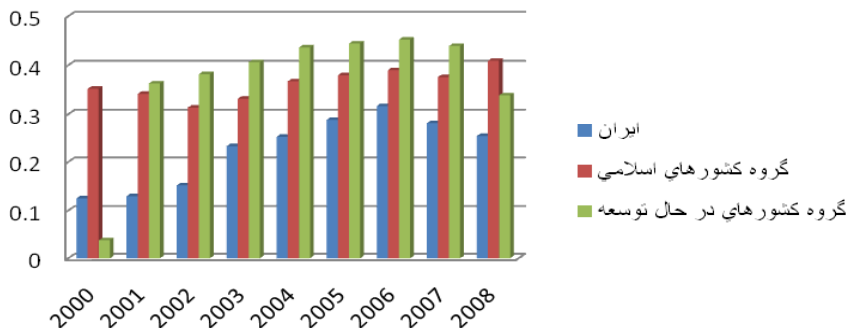
با مقایسه شکل شماره ۱۲ و ۱۳ متوجه می‌شویم که کشور رقیب ایران (عربستان)، علاوه بر حجم بالای صادرات، نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی بالایی نیز دارد. بعد از عربستان کشور سوریه است که به نسبت تولید ناخالص داخلی، صادرات قابل ملاحظه‌ای دارا می‌باشد. سومین کشور در نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی، قزاقستان می‌باشد. ایران در رتبه چهارم قرار دارد. ترکیه با این که حجم صادرات آن بعد از عربستان است، نسبت به تولید ناخالص داخلی در رتبه پنجم می‌باشد. باید توجه داشت که اکثر صادرات عربستان، نفت خام می‌باشد. پس موقعیت

ترکیه از لحاظ صادراتی خوب می‌باشد.

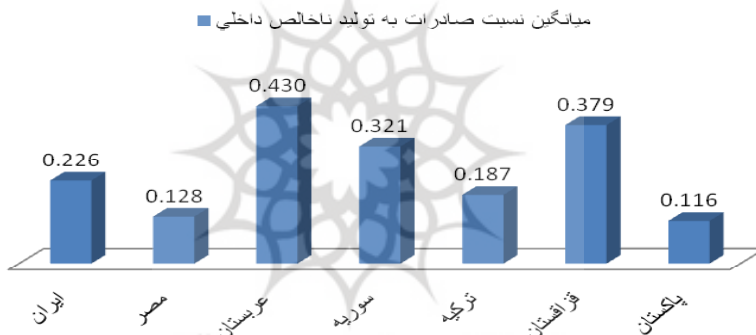


همچنین روند نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی نشان می‌دهد که تنها کشور سوریه روندی مثبت در طی زمان داشته است. شکل شماره پانزده نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی در چشم‌انداز ۱۴۰۴ را نشان می‌دهد که ایران رتبه چهارم را در منطقه داراست. البته با همان فروش ساده‌کننده‌ای که بیان شد.

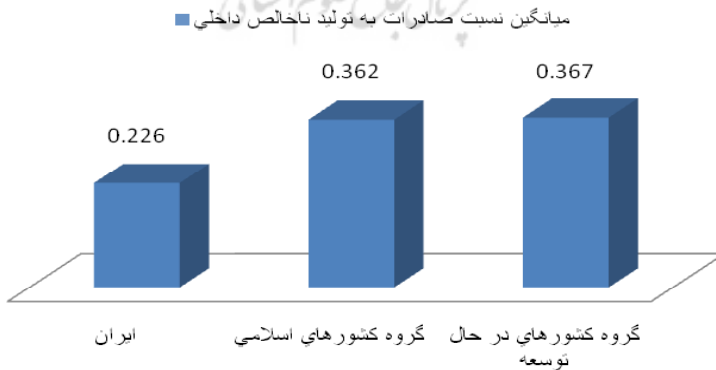
شکل شماره ۱۴: نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی ایران در مقایسه با کشورهای اسلامی و در حال توسعه



شکل شماره ۱۵: نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی در چشم انداز ۱۴۰۴



شکل شماره ۱۶: نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی در چشم انداز ۱۴۰۴



۵- واردات

یکی دیگر از متغیرهای مهم اقتصادی که به ما در تحلیل شرایط اقتصادی و روند آن کمک می‌نماید، واردات کشور می‌باشد. در جدول شماره پنج، نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی کشورهای رقیب ایران، همچنین کشورهای اسلامی، کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته نشان داده شده است. با دقت در آمار موجود متوجه می‌شویم که کشور سوریه روند به شدت صعودی را در این شاخص طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی داشته است، که وضعیت مناسبی نیست. بعد از سوریه مصر می‌باشد که دومین کشور در این شاخص می‌باشد. کشور ایران همراه با عربستان از جمله کشورهایی هستند که در وضعیت خوبی در میان سایر کشورها دارند. عربستان طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ میلادی، وارداتش پایین‌تر از ایران بوده است. شکل شماره هفده این مطلب را به خوبی نشان می‌دهد.

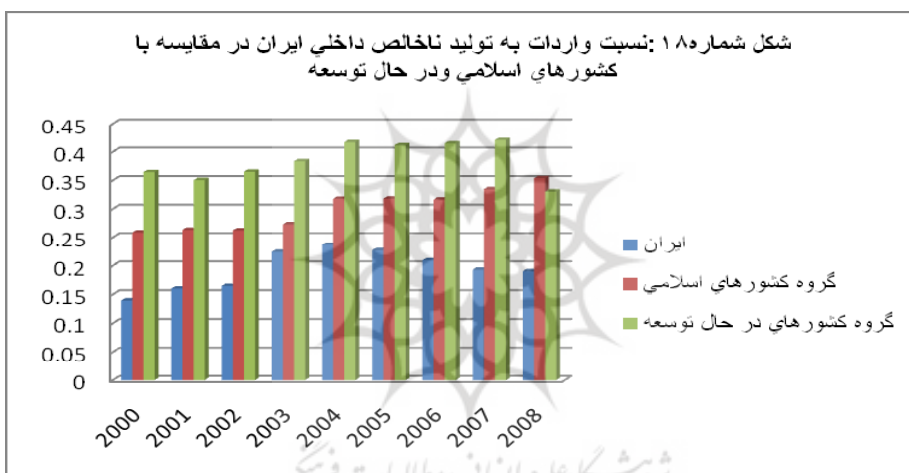
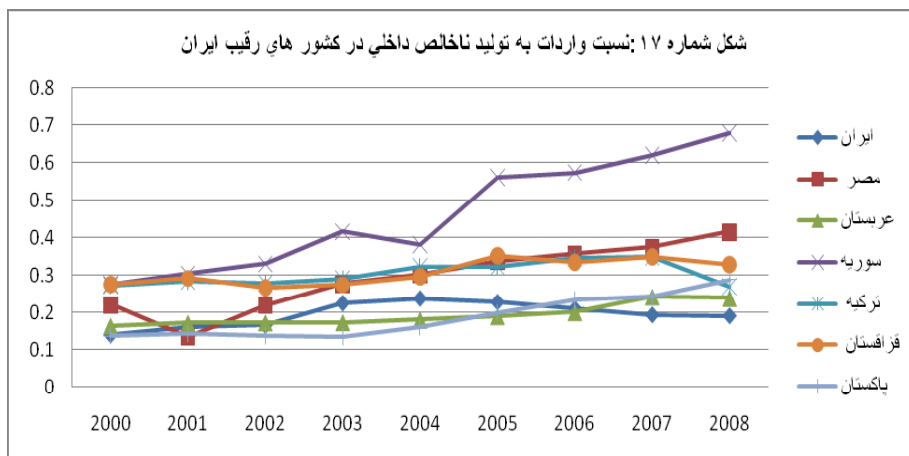


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره پنج: نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی

کشور	۷۰:۸	۸۰:۸	۹۰:۸	۹۰:۸	۹۰:۸	۹۰:۸	۹۰:۸	۹۰:۸	کشور	۹۰:۸
ایران	۰.۱۹۰	۰.۱۹۳	۰.۲۰۹	۰.۲۲۷	۰.۲۳۷	۰.۲۴۴	۰.۲۵۰	۰.۲۶۰	ایران	۰.۱۳۹
مصر	۰.۴۱۵	۰.۳۷۴	۰.۳۵۶	۰.۳۳۷	۰.۳۰۲	۰.۳۷۷	۰.۳۷۷	۰.۳۳۵	مصر	۰.۲۲۱
عربستان	۰.۳۳۸	۰.۲۴۲	۰.۱۹۹	۰.۱۸۹	۰.۱۷۹	۰.۱۷۲	۰.۱۷۲	۰.۱۷۰	عربستان	۰.۱۶۲
سوریه	۰.۶۷۸	۰.۶۱۸	۰.۵۷۳	۰.۵۶۰	۰.۳۲۲	۰.۴۱۵	۰.۴۱۵	۰.۳۰۳	سوریه	۰.۲۷۵
ترکیه	۰.۳۷۰	۰.۳۴۹	۰.۳۴۶	۰.۳۲۱	۰.۳۲۲	۰.۲۸۹	۰.۲۸۹	۰.۲۸۴	ترکیه	۰.۲۷۴
قزاقستان	۰.۳۲۸	۰.۳۴۹	۰.۳۳۴	۰.۳۵۳	۰.۲۹۶	۰.۲۷۵	۰.۲۷۵	۰.۲۹۲	قزاقستان	۰.۲۷۶
پاکستان	۰.۲۸۷	۰.۲۴۲	۰.۲۳۴	۰.۱۹۹	۰.۱۵۹	۰.۱۳۴	۰.۱۳۴	۰.۱۴۱	پاکستان	۰.۱۳۷
گروه کشورهای اسلامی	۰.۳۵۴	۰.۳۳۴	۰.۳۱۶	۰.۳۱۸	۰.۳۱۸	۰.۲۷۳	۰.۲۷۳	۰.۲۶۳	گروه کشورهای اسلامی	۰.۲۵۹
گروه کشورهای توسعه یافته	۰.۳۳۱	۰.۴۲۱	۰.۴۱۵	۰.۴۱۲	۰.۴۱۷	۰.۳۸۴	۰.۳۸۴	۰.۳۵۰	گروه کشورهای توسعه یافته	۰.۳۶۴
گروه کشورهای در حال توسعه	۰.۲۵۸	۰.۲۴۸	۰.۲۴	۰.۲۲۴	۰.۲۱۱	۰.۱۹۶	۰.۱۹۶	۰.۱۶۹	گروه کشورهای در حال توسعه	۰.۱۷۳

منبع: (صندوق بین المللی پول، ۲۰۰۸، ص ۲۰۸)



شکل شماره نوزده نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی را در چشم‌انداز ۱۴۰۴ نشان می‌دهد. در چشم‌انداز ۱۴۰۴، پایین‌ترین مقدار این شاخص، کشور پاکستان است. بعد از آن، کشور عربستان و سومین کشور ایران می‌باشد. ملاحظه می‌کنیم که در این شاخص نیز ایران، حریفان سرسختی برای رقابت دارد.

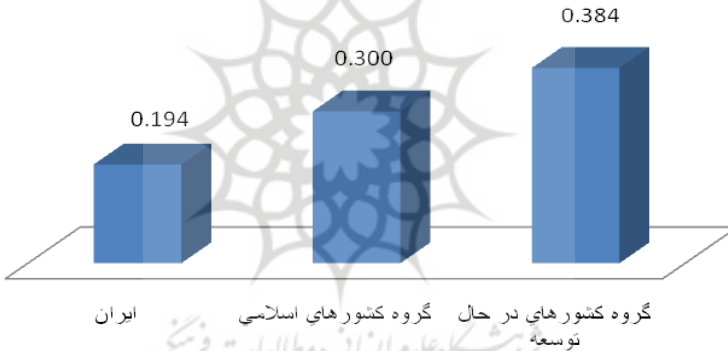
شکل شماره ۱۹: نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی در چشم انداز ۱۴۰۴

■ میانگین نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی



شکل شماره ۲۰: نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی در چشم انداز ۱۴۰۴

■ میانگین نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی



نتیجه

در این تحقیق، وضعیت برخی متغیرهای اقتصادی منتخب در بین برخی از کشورهای اسلامی که می‌توانند در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی به عنوان رقیب ایران مطرح باشند، بررسی شد. این گروه از کشورها که در این مقاله از آنها با عنوان «کشورهای رقیب» یاد کردیم عبارت‌اند از: ترکیه، عربستان، مصر، سوریه، قزاقستان و پاکستان. به لحاظ زمانی تحلیلی که انجام شد شامل دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی می‌گردید و همچنین پیش‌بینی خود را در رابطه با متغیرهای مورد نظر در افق ۱۴۰۴ شمسی (۲۰۲۵ میلادی) نیز ارائه کرد. در انجام پیش‌بینی این طور فرض شد که

اگر متغیرهای اقتصادی ایران و کشورهای رقیبش در بازه ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۵ میلادی با نرخ معادل با میانگین دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی رشد کنند و یا در همین نرخ ثابت بمانند، در سال ۲۰۲۵ وضعیت چگونه خواهد بود و آیا ایران در این سال (آن طور که در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است) به جایگاه اول اقتصادی در بین تمامی کشورهای منطقه خاورمیانه و در تمامی متغیرها دست می‌یابد؟

به منظور پاسخ به این سؤال سه متغیر کلان اقتصادی در دوره‌ای نه ساله مورد بررسی قرار گرفت. این متغیرها (که از جمله مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی هستند) عبارتند از تولید ناخالص داخلی سرانه، تورم و حجم صادرات. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در هر سه حوزه کشور ایران در مقایسه با رقبایش در وضعیت مطلوبی قرار نداشته و اگر بخواهد در آینده و در افق چشم‌انداز نیز به همین منوال ادامه دهد، امکان دستیابی به اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز وجود ندارد. در مورد متغیر اول یعنی تولید ناخالص داخلی سرانه، بررسی آمار ارائه شده نشان داد که گرچه ایران در مقایسه با این شش کشور، رشد تولید سرانه بیشتری را به طور متوسط شاهد بوده است، اما حجم تولید سرانه در سه کشور عربستان، قزاقستان و ترکیه، تقریباً همواره بیش از ایران بوده است. بنابراین اگر فرض کنیم که این کشورها در ۱۷ سال آینده (یعنی از ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۵ میلادی) با نرخ برابر با نرخ متوسط دوره ۹ ساله مورد بررسی (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی) رشد کنند، در سال ۲۰۲۵ میلادی (۱۴۰۴ شمسی)، کشور عربستان با تولید سرانه‌ای به میزان ۳۵۸۹۹۹ دلار در سال، به عنوان کشور اول منطقه خاورمیانه مطرح خواهد بود و پس از آن نیز کشورهای قزاقستان و ترکیه به ترتیب با ۲۹۸۲۵۸ و ۱۷۹۱۲۶ در رتبه‌های دوم و سوم قرار خواهند گرفت و لذا ایران در این سال به عنوان رتبه اول در موضوع تولید سرانه مطرح نخواهد بود؛ بلکه در بهترین حالت رتبه چهارم را به خود اختصاص می‌دهد.

بررسی آمار مرتبط با تورم در کشور ایران در مقایسه با گروه کشورهای اسلامی، در حال توسعه و توسعه‌یافته نشان می‌دهد که در این شاخص وضعیت ایران بسیار ضعیف است. در واقع همان طور که ارقام ارائه شده در جدول نشان می‌دهد، تورم ایران تقریباً همواره دو برابر تورم کشورهای اسلامی، بیش از دو برابر کشورهای در حال توسعه، و بیش از ده برابر کشورهای توسعه‌یافته بوده است. مثلاً در سال ۲۰۰۷م، در حالی که تورم کشورهای اسلامی، در حال توسعه و توسعه‌یافته به ترتیب برابر با ۷٫۴، ۲٫۲ و ۶٫۳ درصد بوده است، تورم ایران برابر با ۱۷٫۵ درصد است. بررسی آمار مرتبط با تورم در ایران در مقایسه با کشورهای اسلامی رقیب نیز نتایج

مشابهی ارائه می‌دهد. در واقع تورم ایران تقریباً در تمامی سال‌های مورد بررسی از شش کشور اسلامی رقیب بیشتر بوده است. بررسی آمار ارائه شده نشان می‌دهد که متوسط نرخ تورم در ایران در دوره نه ساله مورد بررسی، در حدود ۱۳٫۶ می‌باشد. این در حالی است که متوسط نرخ تورم در کشورهای رقیب یعنی مصر، عربستان، سوریه، ترکیه، قزاقستان و پاکستان به ترتیب ۶٫۸، ۱٫۹، ۶٫۷، ۱۲٫۴، ۴٫۸ و ۵٫۷ درصد می‌باشد. با توجه به این تفاسیر اگر این طور فرض کنیم که روند تورم در ایران و کشورهای اسلامی رقیب در ۱۵ سال آینده، مشابه دوره نه ساله مورد بررسی باشد، آنگاه باید گفت که در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ شمسی (۲۰۲۵ م.)، کشور عربستان در زمینه کنترل تورم رتبه اول را در منطقه خاورمیانه به خود اختصاص خواهد داد. پس از آن نیز پاکستان، سوریه، مصر، قزاقستان و ترکیه قرار خواهند داشت و لذا ایران در این زمینه رتبه آخر را به خود اختصاص خواهد داد.

اما بررسی آمار مرتبط با صادرات ایران در مقایسه با کشورهای اسلامی رقیب نشان می‌دهد که در اکثر سال‌ها حجم صادرات ایران از چهار کشور سوریه، مصر، قزاقستان و پاکستان بیشتر بوده و از دو کشور عربستان و ترکیه کمتر است. با توجه به ارقام مورد بررسی، اگر این طور فرض کنیم که روند صادرات در ایران و کشورهای اسلامی رقیب در ۱۵ سال آینده مشابه دوره نه ساله مورد بررسی باشد، آنگاه باید گفت که در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ شمسی (۲۰۲۵ میلادی)، کشور عربستان در زمینه حجم صادرات رتبه اول را در منطقه خاورمیانه به خود اختصاص خواهد داد. پس از آن نیز ترکیه رتبه دوم را در اختیار داشته و ایران در رتبه سوم قرار می‌گیرد. قزاقستان، مصر، پاکستان و سوریه نیز به ترتیب جایگاه چهارم، پنجم، ششم و هفتم را در منطقه به خود اختصاص می‌دهند.

یافته‌های این تحقیق، ضرورت برنامه‌ریزی دقیق‌تر در سطوح کوتاه و میان مدت (به طور خاص برنامه‌های پنج ساله توسعه) به منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز را مورد تأکید قرار می‌دهد.

جدول شماره شش: حجم صادرات (میلیون دلار)

	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	میانگین حجم صادرات دوره	حجم انداز ۱۴۰۴ (۲۰۲۵)
ایران	۱۲۸۷۶	۱۴۴۹۰	۲۰۵۶۷	۳۱۷۸۲	۴۰۹۹۸	۵۵۴۰۳	۷۰۵۸۰	۸۱۷۰۹	۹۲۳۴۸	۴۲۰۵۵	۴۲۰۵۵
مصر	۵۹۸۲	۶۸۴۳	۷۳۲۰	۸۴۹۹	۱۲۱۸۷	۱۵۵۹۳	۲۰۶۸۴	۲۳۴۴۰	۲۶۷۲۰	۱۴۱۴۰	۱۴۱۴۰
عربستان	۶۱۹۸۸	۶۳۳۴۴	۶۵۴۳۲	۸۶۵۴۷	۱۱۲۶۸۷	۱۵۶۹۶۷	۱۸۹۵۷۸	۱۹۹۶۱۰	۲۰۱۱۱۳	۱۲۶۶۵۱	۱۲۶۶۵۱
سوریه	۴۵۱۹	۵۰۱۳	۵۵۳۸	۶۰۵۳	۸۵۸۶	۱۰۲۲۰	۱۲۰۹۹	۱۴۵۴۰	۱۶۷۷۹	۹۲۶۰	۹۲۶۰
ترکیه	۲۱۵۵۶	۲۶۹۸۱	۳۵۸۷۷	۴۷۲۳۳	۶۲۹۸۹	۷۳۴۵۱	۸۵۴۹۲	۱۰۷۱۱۳	۱۱۴۹۸۷	۶۳۹۶۴	۶۳۹۶۴
قزاقستان	۶۹۸۷	۷۲۳۹	۸۷۹۰	۱۲۹۲۷	۲۰۰۹۵	۲۳۵۰۸	۳۰۰۷۸	۳۷۵۶۸	۴۲۳۴۵	۲۱۱۵۹	۲۱۱۵۹
پاکستان	۶۲۳۴	۷۹۸۸	۹۳۳۴	۱۱۹۲۸	۱۳۲۸۴	۱۶۰۴۶	۱۶۹۸۰	۱۹۳۸۸	۲۱۹۸۹	۱۳۶۸۴	۱۳۶۸۴
گروه کشورهای اسلامی (از صد از کل دنیا)	۷,۳	۷,۹	۸,۲	۸,۱	۸,۸	۹,۵	۱۰,۰	۹,۸	۹,۹	۸,۸	۸,۸
گروه کشورهای توسعه یافته	۳۱۲۹	۳۶۷۶	۴۰۵۴	۴۶۵۷	۵۴۸۷	۵۹۶۰	۶۶۵۴	۷۵۹۳	۸۵۸۸	۵۵۳۳	۵۵۳۳
گروه کشورهای در حال توسعه	۱۳۹۸	۱۷۳۰	۲۰۹۰	۲۸۵۶	۳۶۴۰	۴۴۰۲	۵۲۷۲	۶۲۱۹	۷۱۰۹	۳۸۴۶	۳۸۴۶

منبع: (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۸، ب)